

## سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران\*

☆ محمد جلال عباسی شوازی

\* فاطمه ترابی

ازدواج خویشاوندی به عنوان الگوی ازدواج مطلوب در ایران به‌شمار می‌آید. مطالعات انجام گرفته، ازدواج خویشاوندی را به عنوان الگوی سنتی ازدواج در نظر می‌گیرند و از احتمال بیشتر رواج آن در میان افراد برخوردار از ویژگی‌ها و زمینه خانوادگی سنتی حکایت می‌کنند. هدف از این مقاله، بررسی سطح، روند و نیز عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی مرتبط با ازدواج خویشاوندی در ایران است. به‌منظور دستیابی به اهداف تحقیق، علاوه بر مطالعه اسنادی، از داده‌های «طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار، ۱۳۸۰» استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که ازدواج خویشاوندی، علی‌رغم تأثیرپذیری ایران از فرایندهای مدرنیزاسیون، شهرنشینی و صنعتی شدن در دهه‌های گذشته، از ثبات و تداومی نسبی برخوردار بوده است. نتایج برخوردارای همسران خویشاوند از ویژگی‌های سنتی را مورد تأیید قرار داده و بیانگر سطوح و الگوهای متفاوت ازدواج خویشاوندی در میان قومیت‌های گوناگون است. انجام مطالعات جامع با استفاده از روش‌های کیفی برای ارائه درک عمیق‌تری از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ازدواج خویشاوندی در ایران مورد نیاز است.

**واژگان کلیدی:** خانواده، ازدواج خویشاوندی، قومیت، مدرن، سنتی.

\* از نظرات اصلاحی آقایان دکتر محمود قاضی طباطبایی، دکتر اصغر عسکری خانقاه، دکتر محمد میرزایی و داوران محترم سپاسگزاری می‌شود.

☆ دانشیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. Mabbasi@ut.ac.ir  
\* دانشجوی دکتری، مرکز مطالعات جمعیتی، دانشگاه لندن (LSHTM).

fatemeh.torabi@lshtm.ac.uk

مقدمه

ازدواج پدیده‌ای اجتماعی است و الگوهای متفاوت آن در جوامع گوناگون، نشان‌دهنده تأثیر ساختارهای جامعه بر این پدیده جهانی است. به‌طور تاریخی، جامعه با وضع قوانین خاص همواره سعی داشته است از طریق کنترل الگوهای ازدواج، نهاد خانواده و در نتیجه ابعاد کمی و کیفی زندگی افراد خود را تحت نظارت داشته باشد. نفوذ جامعه بر الگوهای همسرگزینی موجب می‌شود که اعضای آن به ازدواج با افرادی خاص تشویق یا حتی مجبور شوند و از ازدواج با افراد دیگر منع گردند. در نتیجه این فرایند است که می‌توان الگوهای درون‌همسری<sup>۱</sup> (گزینش همسر از درون گروه اجتماعی خود) و برون‌همسری<sup>۲</sup> (گزینش همسر از خارج از گروه اجتماعی خود) را در جوامع گوناگون مشاهده کرد. برحسب زمان، مکان و اهداف متفاوتی که جامعه برای ازدواج در نظر می‌گیرد، می‌توان علاوه بر ازدواج خویشاوندی<sup>۳</sup>، که به عنوان نوع خاصی از ازدواج‌های درون‌گروهی و یک الگوی سنتی همسرگزینی در نظر گرفته می‌شود، شیوه‌های متعدد همسرگزینی را در جوامع گوناگون و در زمان‌های متفاوت مشاهده کرد.

معادل انگلیسی «ازدواج خویشاوندی» از دو کلمه لاتین Con به معنی مشترک و Sanguine به معنی خون مشتق شده است. «ازدواج خویشاوندی رابطه بین دو فرد را توصیف می‌کند که با یکدیگر خویشاوند هستند، به این سبب که یک نیای مشترک یا یک رابطه خونی مشترک دارند» (مرکز آموزش ژنتیک<sup>۴</sup> ۲۰۰۴: ۲۶۱). ازدواج‌های خویشاوندی در جوامع مختلف بین افرادی با نسبت‌های گوناگون انجام می‌گیرند که به منظور سهولت بررسی، می‌توان آن‌ها را به دو دسته تفکیک کرد:

الف. ازدواج بین خویشاوندان نزدیک یا درجه اول<sup>۵</sup> (فرزندان خواهران و برادران)، درجه دوم یا درجات بالاتر (نوه‌های خواهران و برادران، نتیجه‌های خواهران و برادران و...) این نوع ازدواج‌ها بیشتر در کشورهای مسلمان شمال آفریقا، آسیای مرکزی و غربی و در بیشتر بخش‌های آسیای جنوبی رواج دارد (بیتلز<sup>۶</sup> ۱۹۹۴: ۵۶۳).

ب. ازدواج بین دایی - خواهرزاده یا عمو - برادرزاده<sup>۷</sup>؛ این نوع ازدواج‌ها بین یهودیان و نیز در ایالات هندونشین جنوب هند رواج بیشتری دارد. البته باید توجه داشت که در بررسی

- |   |                          |
|---|--------------------------|
| 1. Endogamy                               | 2. Exogamy               |
| 3. Consanguineous Marriage, Consanguinity |                          |
| 4. Center For Genetics Education          | 5. First Cousin Marriage |
| 6. Bittles, A. H.                         | 7. Uncle-Niece Marriage  |

ازدواج‌های خویشاوندی، برحسب تعریف، ازدواج‌های بین خویشاوندان نزدیک درجه دوم یا نزدیک‌تر، به عنوان ازدواج خویشاوندی در نظر گرفته می‌شود، زیرا تأثیرات ژنتیکی حاصل از ازدواج زوج‌های دارای نسبت‌های خویشاوندی دورتر به میزان اندکی با ازدواج‌های غیرخویشاوندی متفاوت است (همان: ۵۶۵-۵۶۶).

در ایران نیز ازدواج خویشاوندی از دیرباز رواج داشته است (کتابی ۱۳۷۹) و مطالعات جدید از تداوم این الگوی ازدواج حکایت می‌کنند (گیونز و هیرشمن<sup>۱</sup> ۱۹۹۴؛ عباسی شوازی و همکاران ۱۳۸۳ و ۲۰۰۶؛ سعادت<sup>۲</sup> و همکاران ۲۰۰۴؛ عباسی شوازی و صادقی ۱۳۸۴). این پژوهش به منظور مطالعه ازدواج خویشاوندی در ایران، ضمن بررسی سطح، الگو و روند تحولات این الگوی ازدواج طی چند نسل، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی آن را مطالعه می‌کند.

### چارچوب نظری

مطالعات گوناگون، چگونگی تأثیر فرایندهای مدرنیزاسیون و صنعتی شدن بر ابعاد خانواده را در چارچوب دیدگاه‌های کارکردگرایی ساختاری<sup>۳</sup> و نهادی<sup>۴</sup>، مورد توجه قرار داده‌اند (گود<sup>۵</sup> ۱۳۵۲ و ۱۹۶۳؛ بهنام ۱۳۵۲؛ تورنتون و فریک<sup>۶</sup> ۱۹۸۷؛ تورنتون و لین<sup>۷</sup> ۱۹۹۴؛ ساروخانی ۱۳۷۰؛ سگالن ۱۳۷۰). در نظریه کارکردگرایی ساختاری، بر پیوند و رابطه کل نظام اجتماعی با اجزاء آن و نیز رابطه اجزاء با یکدیگر تأکید شده، وجود ارزش‌ها و هنجارهای مشترک در جامعه مفروض پنداشته شده است و دگرگونی اجتماعی نیز کند و منظم در نظر گرفته می‌شود (ریترز ۱۳۷۶: ۱۱۹). در دیدگاه نهادی، نهاد ازدواج و خانواده در چارچوب نظام کلی جامعه و به عنوان ارگانسمی در نظر گرفته می‌شود که نظام آن به وسیله اجزاء تشکیل دهنده‌اش حفظ می‌شود؛ بنابراین از بعضی جهات با دیدگاه کارکردگرایی ساختاری شباهت‌هایی دارد با این تفاوت که روش نهادی روی جنبه توصیفی، تاریخی و مقایسه‌ای بیشتر تأکید می‌کند و نهاد خانواده را در ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی و فرهنگ، مورد مطالعه قرار می‌دهد (میشل ۱۳۵۴: ۱۲-۱۴). در این مطالعات، الگوی ازدواج خویشاوندی در چارچوب ساختار سنتی خانواده گسترده و

1. Givens & Hirshman

2. Saadat

3. Structural Functional Approach

4. Institutional Approach

5. Goode, W.

6. Thornton, A. & T. E. Fricke

7. Thornton, A, & H. Sh. Lin

در رابطه با ازدواج ترتیب یافته<sup>۱</sup> مورد توجه قرار گرفته است. در جوامع سنتی که نهاد خانواده کارکردهای متعدد و مهمی را بر عهده داشت و شبکه‌های خویشاوندی مبتنی بر روابط پدرتباری و پدرسالاری، دارای اقتدار ویژه‌ای در روابط اجتماعی بودند، این شبکه‌ها به‌طور کلی و خانواده گسترده به‌طور خاص، خدمات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متعددی همچون نگهداری از سالخورده‌گان و بیماران، تأمین اشتغال، حمایت‌های مالی و گردآوری سرمایه، تأمین امنیت در برابر گروه‌های رقیب و حکومت مرکزی و غیره را به اعضای خود ارائه می‌کردند. در این شرایط، ازدواج‌های ترتیب یافته از جمله ازدواج خویشاوندی نیز از سوی والدین مقتدر، به عنوان ابزاری در جهت حفظ نام، شهرت، دارایی و املاک و همچنین دست‌یابی به فرصت‌های بیشتر برای کسب امتیازهای یاد شده در نظر گرفته می‌شد. به عقیده این صاحب‌نظران، پیدایی نیروهای مدرنیزاسیون و توسعه فرایندهای صنعتی شدن و شهرنشینی به شیوه‌های گوناگونی این روند را دچار دگرگونی نموده است. از جمله این اندیشمندان می‌توان به گود اشاره کرد که عقیده دارد تحولات حاصل از جریان‌های یاد شده، به‌ویژه از طریق کاهش کارکردهای شبکه قدرتمند خویشاوندی و خانواده گسترده باعث کاهش اقتدار والدین و افزایش استقلال فرزندان در امور فردی خود (از جمله شیوه‌های همسرگزینی) می‌شود و در نهایت از رواج ازدواج‌های ترتیب یافته و خویشاوندی خواهند کاست (گود ۱۹۶۳).

البته مطالعات بعدی مرتبط با الگوهای خانوادگی و از جمله ازدواج خویشاوندی که در چارچوب نظریات یاد شده انجام گرفته‌اند، وجود رابطه خطی فرایند مدرنیزاسیون و تغییر ساختار خانواده و الگوهای ازدواج را تأیید نکرده و این تغییرات را ناشی از تعامل پیچیده عوامل گوناگون دانسته‌اند (الثاکب<sup>۲</sup> ۱۹۸۵؛ خلات و حلابی<sup>۳</sup> ۱۹۸۶؛ تورنتون و فریک، ۱۹۸۷؛ بیتلز ۱۹۹۴ و ۲۰۰۱؛ تورنتون ولین ۱۹۹۴؛ گیونز و هیرشمن ۱۹۹۴؛ حسین و بیتلز ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰؛ رادوانوویک<sup>۴</sup> ۱۹۹۹؛ قیدوای<sup>۵</sup> و همکاران ۲۰۰۳؛ عباسی شوازی و همکاران ۱۳۸۳ و ۲۰۰۶؛ عباسی شوازی و مک دونالد زیرچاپ؛ تفیلی<sup>۶</sup> ۲۰۰۵). اگرچه انتظار می‌رود که فرایند کاهش باروری و تقلیل تعداد همسران بالقوه در میان خویشاوندان، در کشورهایی که ازدواج خویشاوندی در آن‌ها به عنوان الگوی مرجح ازدواج مطرح است عاملی در جهت کاستن از فروانی این نوع ازدواج در آینده باشد، اما ازدواج خویشاوندی را نیز باید همچون سایر الگوهای خانوادگی و ازدواج، با توجه به کارکردهای آن و به عنوان جزئی از نظام کلی اجتماعی و متأثر از ساختارهای جامعه مورد بررسی قرار داد.

1. Arranged Marriage

3. Khlata & Halabi

5. Qidwai, W.

2. Al-Thakeb, F. T

4. Radovanovic, z

6. Tfaily, R.

## سطح ازدواج خویشاوندی در جهان و ایران

پایین‌ترین میزان‌های ازدواج خویشاوندی در آمریکای شمالی، بیشتر مناطق اروپا و استرالیا (کمتر از ۱ درصد) گزارش شده است. در مناطقی همچون شبه جزیره‌ی ایبری، ژاپن و آمریکای جنوبی حدود یک تا ده درصد از ازدواج‌ها از نوع خویشاوندی هستند. آفریقای شمالی، بیشتر بخش‌های آسیای غربی، مرکزی و جنوبی با ۲۰-۵۰ درصد ازدواج خویشاوندی در آن سوی طیف قرار گرفته‌اند (بیتلز ۱۹۹۴: ۵۶۳؛ ۲۰۰۱b: ۹۰). مطالعات انجام شده، میزان‌های متفاوت ازدواج خویشاوندی را در مورد کشورهای یاد شده گزارش کرده‌اند: مناطق گوناگون کویت (۲۲ تا ۴۲ درصد)، پاکستان (۴۰ درصد)، لبنان (۲۵ درصد) و یمن (۷/۴۴ درصد). در تمام موارد یاد شده، ازدواج بین خویشاوندان نزدیک درجه اول بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است (رادووانویک و همکاران ۱۹۹۹: ۲۰۸؛ قیدوای و همکاران ۲۰۰۳: ۲۷؛ خلات و حلابی ۱۹۸۶: ۴۸۹؛ نات<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۴؛ قونید<sup>۲</sup> و همکاران ۲۰۰۴: ۱۱). ترجیح و پذیرش این نوع ازدواج در میان بخش زیادی از جمعیت‌های جنوب صحرای آفریقا نیز توسط مطالعات مردم‌شناسانه تأیید شده است. در چین نیز اگرچه پس از شکل‌گیری جمهوری خلق چین، اطلاعات کمی در این زمینه گردآوری شده است، اما گزارش‌های موجود از ادامه این رسم پذیرفته شده در میان مردم چین حکایت می‌کنند (بیتلز ۱۹۹۴: ۵۶۵).

مطالعات جامع انجام گرفته در مورد چگونگی توزیع ازدواج خویشاوندی در ایران اندک است. از این میان می‌توان به مطالعه‌ی گیونز و هیرشمن (۱۹۹۴) اشاره کرد که با استفاده از داده‌های بررسی باروری ایران<sup>۳</sup> (۱۹۷۷) به مطالعه‌ی ازدواج خویشاوندی در ایران پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به‌طور کلی ۴۰ درصد از ازدواج‌های مورد بررسی از نوع خویشاوندی بوده‌اند و اگرچه احتمال وقوع این نوع ازدواج در دهه‌های پیش از بررسی بیشتر بوده است، اما به‌طور کلی افراد برخوردار از ویژگی‌های مدرن‌تر به احتمال کمتری با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرده بودند.

نتایج مطالعه‌ی عباسی شوازی و همکاران (۱۳۸۳ و ۲۰۰۶) که با استفاده از داده‌های طرح تحولات باروری در ایران در چهار استان آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، گیلان و یزد انجام گرفت، نشان می‌دهد که به‌طور کلی میزان ازدواج خویشاوندی حدود ۴۰ درصد بوده است. بالاترین میزان به استان کمتر توسعه‌یافته‌ی سیستان و بلوچستان (۷۷/۴ درصد) تعلق گرفت و پس از آن استان یزد قرار داشت که علی‌رغم برخورداری از سطح توسعه‌ی بالا، از میزان

1. Nath, A.

2. Gunaid, A.

3. Iran Fertility Survey (IFS)

ازدواج خویشاوندی ۴۶/۳ درصدی برخوردار بود. استان‌های آذربایجان غربی و گیلان نیز با دارا بودن ۳۲/۶ و ۲۴ درصد ازدواج خویشاوندی در رده‌های بعد قرار داشتند. بر مبنای مطالعه فوق، میزان ازدواج خویشاوندی در میان قومیت‌های بلوچ، فارس، کرد، ترک و گیلک، به ترتیب در حدود ۸۵، ۴۹، ۳۴، ۳۲، و ۲۳ درصد بوده است.

یافته‌های مطالعه سعادت و همکاران (۲۰۰۴) نیز که در سطح تمامی استان‌های ایران انجام گرفته است و ۱۲ گروه قومی را شامل می‌شد تفاوت در میانگین نسبت‌های ازدواج خویشاوندی را برحسب مناطق گوناگون ایران تأیید کرد. در این بررسی، میزان‌های ازدواج خویشاوندی و ازدواج با خویشاوندی نزدیک به ترتیب ۳۸/۶ و ۲۷/۹ درصد گزارش شد و این در حالی است که مقادیر میزان ازدواج خویشاوندی، بر پیوستاری قرار گرفتند که از حدود ۱۶ درصد در مناطق شمالی تا ۴۷ درصد در مناطق شرقی نوسان داشته و در مورد مناطق مرکزی، شمال غربی، غربی و جنوبی نیز میزان‌های ۳۵، ۳۹، ۴۱ و ۴۳ درصد گزارش شده است.

### عوامل مرتبط با ازدواج خویشاوندی

بررسی‌های انجام شده در مورد عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با ازدواج خویشاوندی نشان می‌دهند که احتمال وقوع ازدواج خویشاوندی در میان افراد دارای ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی سنتی بیشتر است و برخورداری از ویژگی‌های مدرن (داشتن زمینۀ شهری، تحصیلات و سن ازدواج بالاتر، اشتغال قبل از ازدواج و تعلق به پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا)، به سبب تغییراتی که در نگرش‌ها و شیوه‌های زندگی سنتی افراد ایجاد می‌کنند، عواملی در جهت کاهش احتمال وقوع ازدواج خویشاوندی به شمار می‌آیند (الثاکب ۱۹۸۵). مطالعات گوناگون بالاترین میزان‌های ازدواج بین خویشاوندان نزدیک را در مناطق روستایی سنتی تر و در میان فقیرترین گروه‌ها و نیز افراد دارای کم‌ترین تحصیلات گزارش کرده‌اند. البته می‌توان خانواده‌های بزرگ زمین‌دار و سرمایه‌دار را از این امر مستثنی کرد که در آن‌ها در بیشتر موارد، حفظ املاک و دارایی‌های خانوادگی مهم‌ترین عامل این نوع ازدواج که به صورت ترتیب یافته و تحت نظارت خانواده انجام می‌گیرد، عنوان شده است (بیلتز ۱۹۹۴: ۵۶۷).

احتمال کمتر وقوع ازدواج خویشاوندی در میان افراد متعلق به پایگاه اجتماعی بالا و زنان دارای تحصیلات بالاتر، در بررسی الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران، هند، یمن، کویت و برخی دیگر از کشورهای اسلامی تأیید شده است. البته در بیشتر موارد، به سبب تداوم نقش خانواده‌ها در امر همسرگزینی فرزندان و نیز نقش‌های متفاوت که برای دختران و پسران در نظر

می‌گرفته‌اند، چنین رابطه‌ای در مورد تحصیلات مردان و احتمال وقوع ازدواج خویشاوندی یافت شده است (گیونز و هیرشمن ۱۹۹۴؛ عباسی شوازی و دیگران ۱۳۸۳؛ حسین و بیتلز ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰؛ الثاکب ۱۹۸۵؛ رادوانوویک و همکاران ۱۹۹۹؛ جوردی و ساکسنا<sup>۱</sup> ۲۰۰۳؛ تفیلی ۲۰۰۵).

رابطه منفی بین اشتغال پیش از ازدواج زنان با احتمال وقوع ازدواج خویشاوندی، توسط مطالعات گوناگونی که در کشورهای آسیایی انجام گرفته‌اند، نشان داده شده است. به عنوان نمونه، در مطالعه‌ای که در کشور پاکستان انجام گرفت، احتمال ازدواج زنان شاغل به‌طور کلی و زنان شاغل در سطوح عالی، به‌طور ویژه با غیرخویشاوندان بیشتر بود (حسین و بیتلز ۱۹۹۹). با توجه به نتایج مطالعات گوناگون (گیونز و هیرشمن ۱۹۹۴؛ حسین و بیتلز ۲۰۰۰) چنین به نظر می‌رسد که اشتغال در بخش‌های سنتی خانوادگی (نظیر کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی) تأثیری بر ازدواج خویشاوندی ندارد، بلکه دارا بودن مشاغل سطوح بالاتر که احتمالاً با تحصیلات بالاتر و نگرش‌های مدرن‌تر نیز همراه است، عاملی در جهت کاهش این نوع پیوند می‌گردد.

از جمله ابعاد جمعیت‌شناختی الگوی ازدواج خویشاوندی، رابطه منفی آن با سن ازدواج (به‌ویژه در مورد زنان) است. سن پایین زنان در هنگام ازدواج و فاصله سنی بیشتر همسران دارای ازدواج خویشاوندی، توسط مطالعات گوناگونی که در کشورهای آسیایی از جمله ایران، لبنان و یمن انجام گرفته‌اند، مورد تأیید قرار گرفته است (خلات و حلابی ۱۹۸۶؛ بیتلز ۱۹۹۴؛ گیونز و هیرشمن، ۱۹۹۴؛ قونید و همکاران ۲۰۰۴). چنین تفاوتی با در نظر گرفتن سایر ویژگی‌های سنتی‌تر زنان دارای ازدواج خویشاوندی، قابل تأمل است. وجود رابطه مثبت بین تحصیلات، اشتغال و سن ازدواج زنان و احتمال کمتر ازدواج خویشاوندی در میان زنان تحصیل‌کرده را می‌توان با مکانیزم همسرگزینی آنان مرتبط دانست. اگرچه تحصیلات بالاتر دختران، ارزش آنان را نزد والدینشان بالاتر می‌برد، حتی در چنین شرایطی نیز ازدواج آنان تحت نظارت والدین صورت می‌پذیرد و در نتیجه، امکان یافتن همسر مناسب کاهش و زمان مجرد ماندن دختران افزایش می‌یابد. آنان احتمالاً در این دوره وارد بازار کار شده، فرصتی برای آشنایی با مردان غیرخویشاوند پیدا کرده‌اند و به احتمال کمتری با خویشاوندان خود ازدواج می‌کنند (حسین و بیتلز ۱۹۹۹).

ساختار فرهنگی و دینی جامعه نیز بر الگوهای نگرشی و رفتاری اعضای آن تأثیر می‌گذارد. قوانین گوناگونی که در مورد ازدواج بین خویشاوندان نزدیک در ادیان مختلف وجود دارد و

1. Jurdi, R. & P. C. Saxena

در نتیجه، میزان‌های متفاوت ازدواج خویشاوندی در میان پیروان این ادیان از جمله مسائلی است که در بررسی‌های مربوط به این نوع ازدواج مورد توجه قرار گرفته‌اند. در حالی که ازدواج بین خویشاوندان نزدیک در میان پیروان دین مسیحیت (و به ویژه فرقه کاتولیک) ممنوع است، چنین ازدواج‌هایی (اگرچه با الگوهای متفاوت) در میان مسلمانان، زردشتیان، یهودیان و هندوها مجاز است. همین امر به رواج بسیار کمتر این نوع ازدواج در میان مسیحیان و رواج بیشتر آن در میان پیروان سایر ادیان و آیین‌ها منتهی شده است. البته الگوهای متفاوت ازدواج خویشاوندی نه تنها در میان ادیان گوناگون، بلکه در میان فرقه‌ها و مذاهب یک دین نیز به چشم می‌خورد و چنین تفاوتی را می‌توان در میان پیروان فرقه‌های دین مسیحیت و نیز مذاهب اسلامی تشخیص داد (بیتلز ۱۹۹۴ و ۲۰۰۱a؛ کتابی ۱۳۷۹، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳). بررسی الگوی ازدواج خویشاوندی در میان پیروان دو مذهب اصلی دین اسلام (شیعیان و اهل سنت) از ترجیح بالاترین نوع ازدواج در میان اهل سنت حکایت می‌کند و بررسی الگوهای نگرشی نیز تداوم چنین تمایزی را نشان می‌دهند (عباسی شوازی و همکاران ۱۳۸۳ و ۲۰۰۶).

قومیت نیز به عنوان یک ویژگی مهم فرهنگی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرایند همسرگزینی است. ایران با برخورداری از بیش از ۳۰ اقلیت قومی، یکی از غیرمتجانس‌ترین جمعیت‌های جهان را داراست (افشار سیستانی ۱۳۶۳: ۵۳). اگرچه رواج ازدواج خویشاوندی در میان قومیت‌های گوناگون به عنوان الگوی مرجح همسرگزینی، توسط مطالعات مردم‌شناسانه و تک‌نگاری‌ها تأیید شده است (برازنده‌نیا ۱۳۵۷-۱۳۵۸؛ دست کوتاه ۱۳۵۷-۱۳۵۸؛ افشار سیستانی ۱۳۶۶؛ حسینی سوق ۱۳۷۳؛ حیدری قمی ۱۳۸۳؛ فروزنده ۱۳۷۶؛ عسگری خانقاه و شریف کمالی ۱۳۷۴؛ سروری ۱۳۷۵؛ کاظم‌پور ۱۳۷۵)، اما میزان‌های این نوع ازدواج به سبب برخورداری از پیشینه‌های متفاوت تاریخی و مذهبی و نیز وجود آداب و رسوم و عقاید ریشه‌دار و متنوعی که در گروه‌های قومی گوناگون با الگوهای همسرگزینی همراه است، تفاوت قابل توجهی دارد.

مطالعه عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۴) در مورد رابطه قومیت و الگوهای ازدواج در ایران، الگوهای متمایز ازدواج در میان گروه‌های قومی ایران را تأیید کرده است. یافته‌های این بررسی نشان داد که حتی پس از کنترل مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی، تفاوت‌های قومی در الگوهای ازدواج خویشاوندی باقی مانده است. بررسی فوق اگرچه بیانگر میزان بالای درون همسری قومی در ایران است (بیش از ۹۰ درصد افراد مورد مطالعه، ازدواج با همسری از گروه قومی خود را ترجیح داده بودند)، اما از درون همسری افتراقی در ایران نیز حکایت دارد؛ به عبارت دیگر، گروه قومی عرب با بیشترین تمایل به درون همسری در یک سوی طیف و فارس‌ها با کم‌ترین تمایل به برگزیدن همسر فارس در آن سوی طیف قرار گرفته‌اند.

نتایج مطالعات پیشین نشان می‌دهند که اگرچه رواج ازدواج خویشاوندی در دهه‌های پیشین در کشورهایی همچون مصر و اردن روندی کاهشی داشته است، اما در کشورهایی همچون ایران، هند، پاکستان، لبنان و یمن روندی ثابت یا در حال افزایش گزارش شده است. افزایش تعداد فرزندان زنده مانده تا سن ازدواج که در نتیجه بهبود شرایط بهداشتی و پزشکی کشورهای در حال توسعه در دهه‌های پیشین و کاهش قابل توجه مرگ و میر نوزادان و کودکان پدیدار شده و تعداد همسران بالقوه را در میان خویشاوندان افزایش داده است، به عنوان یکی از عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر در وقوع این امر در نظر گرفته شده است. این بررسی‌ها عدم کاهش یا کاهش اندک میزان‌های ازدواج خویشاوندی را با توجه به عامل یاد شده و نیز تداوم ابعاد فرهنگی، مذهبی و قومی و همچنین کارکردهای اجتماعی و اقتصادی (حمایت‌های شبکه خویشاوندی، شناخت متقابل خانواده‌ها، ازدواج و غیره) این الگوی ازدواج، تبیین کرده‌اند. (الثاکب ۱۹۸۵؛ خللات و حلابی ۱۹۸۶؛ بیتلز ۱۹۹۴ و ۲۰۰۱؛ گیونز و هیرشمن ۱۹۹۴؛ حسین و بیتلز ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰؛ رادوانوویک ۱۹۹۹؛ قیدوای و همکاران ۲۰۰۳؛ قونید و همکاران ۲۰۰۴؛ عباسی شوازی و همکاران ۱۳۸۳؛ سعادت و همکاران ۲۰۰۴؛ تفیلی ۲۰۰۵).

با توجه به ویژگی‌های خاص همسران خویشاوند و ابعاد گوناگون ازدواج خویشاوندی و نیز با در نظر گرفتن نتایج مطالعاتی که از تداوم این الگوی ازدواج در ایران حکایت می‌کنند، مقاله حاضر علاوه بر سنجش سطح ازدواج خویشاوندی، عوامل مرتبط با آن و تغییرات آن را در طول زمان مورد بررسی قرار می‌دهد.

### داده‌ها و روش تحقیق

در این بررسی علاوه بر بررسی اسنادی، از داده‌های آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار که توسط مرکز آمار ایران با همکاری مرکز تحقیقات فرانسه در سال ۱۳۸۰ جمع‌آوری شده و پاسخگویانی از تمام استان‌های کشور را شامل می‌شود، استفاده شده است. روش تحقیق در این مطالعه «تحلیل ثانویه»<sup>۱</sup> داده‌های طرح آمارگیری یاد شده است. در این پژوهش، واحد تحلیل فرد است و جامعه آماری را زنان و مردان همسر دار تشکیل می‌دهند. تعداد کل نمونه مورد بررسی ۱۰۶۴۴ نفر است که به طور مساوی زنان و مردان همسر دار را شامل می‌شود. متغیرهای مستقل و وابسته‌ای که در این مطالعه به کار رفته‌اند، عبارتند از:

#### 1. Secondary Analysis

### متغیرهای مستقل

سال ازدواج (با گروه‌های هم‌دوره ازدواجی<sup>۱</sup> ۱۳۳۰-۱۳۳۹، ۱۳۴۰-۱۳۴۹، ۱۳۵۰-۱۳۵۹، ۱۳۶۰-۱۳۶۹، ۱۳۷۰-۱۳۷۹ مشخص شده است)  
- قومیت (فارس، بلوچ، ترکمن، ترک، عرب، کرد، گیلک، لر، مازندرانی)  
- محل تولد (شهر، روستا)  
- سطح تحصیلی (بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، دیپلم و بالاتر)  
- شیوه همسرگزینی (توصیه والدین، توصیه خویشاوندان و دوستان، گزینش شخصی)  
- سن در اولین ازدواج (در مورد زنان، گروه‌های سنی ۱۰-۱۴، ۱۵-۱۹، ۲۰-۲۴، ۲۵-۳۰ سال و بیشتر، در مورد شوهران، گروه‌های سنی ۱۵-۱۹، ۲۰-۲۴، ۲۵-۲۹، ۳۰ سال و بیشتر)

### متغیرهای وابسته

در این بررسی، متغیر وابسته ازدواج خویشاوندی است که به ازدواج با یکی از خویشاوندان اشاره دارد و در قالب سه طبقه ازدواج با خویشاوند نزدیک، ازدواج با سایر خویشاوندان و ازدواج با غیر خویشاوندان سنجیده می‌شود.  
به منظور توصیف و تحلیل داده‌ها، نرم افزار SPSS به کار رفته است. پس از انتخاب جامعه آماری، به منظور مطالعه روند تغییرات الگوی ازدواج خویشاوندی با استفاده از تحلیل نسلی، به بررسی چگونگی توزیع ازدواج یاد شده در میان گروه‌های هم‌دوره ازدواجی پرداخته‌ایم. سپس با استفاده از تحلیل چند متغیره، تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (ازدواج خویشاوندی) بررسی شده است. روش مورد استفاده در این بخش با توجه به این‌که متغیر وابسته از نوع اسمی دو وجهی است، رگرسیون لجستیک است.

### یافته‌های تحقیق

#### ۱. روند، سطح و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران

یکی از اهداف مطالعه حاضر، بررسی تغییراتی است که در طول زمان در الگوی ازدواج خویشاوندی صورت گرفته است. تغییرات اجتماعی را می‌توان با استفاده از دو دیدگاه مقطعی و نسلی بررسی کرد تأثیرات مقطعی، آن دسته از تغییرات اجتماعی را منعکس می‌کنند که تمامی سنین و گروه‌های نسلی را به طور مشابه متأثر می‌سازند، در صورتی که تأثیرات نسلی، به عنوان

نتایج آن دسته از تغییرات اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند که تنها افراد متعلق به یک گروه همدوره موالید<sup>۱</sup> یا ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهند (تورنتون و لین ۱۹۹۴: ۱۵). از آنجا که این پژوهش بر مبنای پیمایشی مقطعی انجام می‌گیرد، به منظور ارزیابی تغییرات الگوی ازدواج یاد شده در طول زمان و به عبارت دیگر مطالعه روند آن، با استفاده از گروه‌های همدوره ازدواجی تعیین شده براساس سال ازدواج افراد، به تحلیل نسلی می‌پردازیم.

نمودار ۱ میانگین متحرکی<sup>۲</sup> از وقوع ازدواج خویشاوندی را بین سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۰ نشان می‌دهد و از روند نسبتاً ثابت این الگوی ازدواج در ایران حکایت می‌کند. با توجه به عدم محدودیت سنی و در نتیجه گزینشی نبودن نمونه مورد بررسی، کاهش نسبی تعداد افراد متعلق به گروه‌های همدوره<sup>۳</sup> ابتدایی می‌تواند عاملی در جهت پدید آمدن نوسانات مشاهده شده در درصد ازدواج خویشاوندی در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۴۰ و قبل از آن باشد. دوره یاد شده با کاهش اندک وقوع ازدواج خویشاوندی تا اواسط دهه ۱۳۳۰ و ثبات نسبی آن تا اواسط دهه ۱۳۴۰ همراه است. پس از آن، درصد یاد شده کمی افزایش می‌یابد و تا اواخر دهه ۱۳۶۰، علی‌رغم وجود نوساناتی، روند نسبتاً ثابتی دارد. از این زمان می‌توان شاهد کاهش تدریجی ازدواج خویشاوندی و پس از آن نیز ثبات نسبی آن بود.

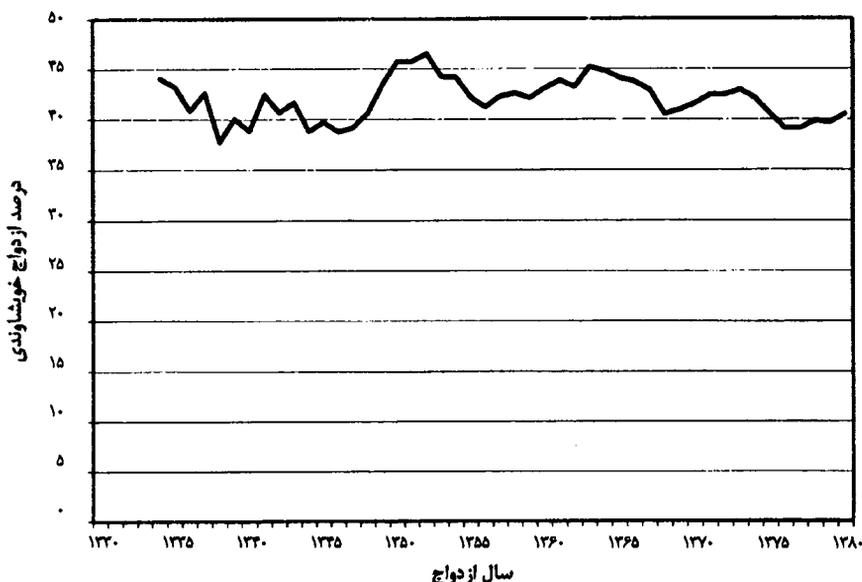
بررسی روند کلی ازدواج خویشاوندی در ایران نشان می‌دهد که علی‌رغم تأثیرپذیری جامعه ایران از جریان‌های مدرنیزاسیون، شهرنشینی و صنعتی شدن در دهه‌های اخیر، الگوی ازدواج یاد شده در جهت پیش‌بینی‌های افرادی همچون گود دچار تحول نشده است و از این‌رو، نمی‌توان فرضیات یاد شده را تأیید کرد و جریان مدرنیزاسیون را نیروی مرکزی تغییر الگوهای ازدواج و خانواده دانست. دستیابی به درک عمیق‌تر از عوامل مؤثر بر ازدواج خویشاوندی با بررسی چگونگی تأثیرگذاری ساختارهای جامعه بر این الگوی ازدواج حاصل می‌شود و بدین منظور، الگوی ازدواج یاد شده در میان زنان و شوهران متعلق به گروه‌های همدوره ازدواجی مختلف که از ویژگی‌های متفاوت اجتماعی، فرهنگی و جمعیت شناختی برخوردار هستند، بررسی شده است. با توجه به مشابهت نتایج به دست آمده در مورد این دو گروه، در این مقاله به بررسی روند الگوهای ازدواج خویشاوندی بر اساس ویژگی‌های زنان بسنده می‌کنیم.

جداول ۱ و ۲، سطح و روند ازدواج خویشاوندی (به ترتیب، ازدواج با خویشاوندان شامل نزدیک و دور و ازدواج با خویشاوند نزدیک) را بر اساس ویژگی‌های محل تولد، قومیت، سطح تحصیلی، شیوه همسرگزینی و سن در اولین ازدواج نشان می‌دهند.

1. Birth cohort

2. Moving Average

3. Cohorts



نمودار ۱. روند (میانگین متحرک ۵ ساله) ازدواج خویشاوندی در ایران برای گروه‌های همدوره ازدواجی ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۰

درصد‌های ازدواج خویشاوندی در مورد طبقات گوناگون متعلق به هر یک از متغیرهای مستقل و نیز در مورد کل نمونه و به تفکیک گروه‌های همدوره ازدواجی (که بر اساس سال تعیین شده‌اند) مشخص شده‌اند. جداول یاد شده از ترکیب جداول مرتبط با هر یک از ویژگی‌ها تشکیل شده‌اند و از این رو، تعداد و درصد موارد گم شده هر یک از متغیرها در ذیل آن متغیر گزارش شده است. توجه به این نکته نیز ضرورت دارد که به سبب کافی نبودن تعداد نمونه در مورد تعداد کمی از طبقات برخی از متغیرها، رعایت احتیاط در تعمیم نتایج بیان شده لازم به نظر می‌رسد.

نتایج جدول ۱، بیانگر این است که الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران طی دوره مورد مطالعه، دچار تحول شده است و در حالی که ۴/۴۱ درصد از زنانی که قبل از دهه ۱۳۵۰ ازدواج کرده‌اند، با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند، ازدواج خویشاوندی در مورد زنان متعلق به کوهورت‌های ازدواجی ۵۰-۱۳۵۹ و ۶۰-۱۳۶۹ با اندکی افزایش به ۴۳/۱ درصد کل ازدواج‌ها رسیده است و این در حالی است که درصد ازدواج خویشاوندی در مورد زنانی که در آخرین دوره مورد مطالعه ازدواج کرده‌اند (۱۳۷۰-۱۳۸۰) مجدداً کاهش یافته و به ۸/۴۰ درصد رسیده است.

وقوع ازدواج خویشاوندی در مورد زنان متولد روستا (۴۷/۵٪) بیش از زنانی است که در شهر متولد شده‌اند (۳۶/۲٪). ازدواج خویشاوندی در مورد افرادی که در شهر متولد شده‌اند، روند منظمی را نشان نمی‌دهد، اما در مورد متولدین روستا در میان گروه‌های همدوره ازدواجی متوالی افزایش یافته است. بدون در نظر گرفتن نوسانات یاد شده در میزان وقوع ازدواج خویشاوندی در مناطق شهری و روستایی، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که با توجه به گروه‌های همدوره ازدواجی ابتدایی و انتهایی (به ترتیب ۱۳۳۰-۱۳۳۹ و ۱۳۷۰-۱۳۸۰)، الگوی ازدواج یاد شده در مناطق شهری تقریباً ۱۳ درصد کاهش یافته است در حالی که در مناطق روستایی با افزایشی ۱۱ درصدی روبه‌رو شده است. البته همان‌گونه که عباسی شوازی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) نیز اشاره کرده‌اند، افزایش وقوع ازدواج خویشاوندی در میان متولدین روستایی را می‌توان به مهاجرت زنانی از روستاها نسبت داد که به احتمال کمتری در معرض چنین ازدواجی قرار داشته‌اند معمولاً درصد ازدواج خویشاوندی در روستاهای کوچک بیشتر است. تبدیل وضع روستاهای بزرگ به شهر و کاهش سهم جمعیت روستانشین می‌تواند یکی دیگر از عوامل افزایش میزان ازدواج خویشاوندی در روستا باشد.

مطالعه سطوح و روندهای ازدواج خویشاوندی در میان گروه‌های قومی متفاوت، با توجه به در اکثریت قرار داشتن فارس‌ها در نمونه مورد بررسی، ابتدا در دو طبقه فارس و غیرفارس بررسی شده و سپس با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی عمیقی که در میان قومیت‌های گوناگون وجود دارد، به تفکیک گروه‌های قومی مورد ملاحظه قرار گرفته است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، وقوع ازدواج خویشاوندی در میان زنان فارس و زنان متعلق به سایر قومیت‌ها (غیرفارس)، تفاوت چندانی ندارد و در میان گروه نخست (۴۱/۱٪) اندکی کمتر از گروه دوم (۴۲/۸٪) است. اگرچه الگوی ازدواج خویشاوندی در میان گروه‌های همدوره ازدواجی متوالی هر دو گروه روند منظمی را نشان نمی‌دهد، ازدواج با خویشاوند در مورد فارس‌هایی که در دهه ۱۳۷۰ ازدواج کرده‌اند نسبت به افرادی که در دهه ۱۳۳۰ ازدواج کرده‌اند تقریباً ۶ درصد کاهش یافته است و این در حالی است که در مورد زنان متعلق به سایر گروه‌های قومی، افزایشی در حدود ۳ درصد را نشان می‌دهد. نکته جالب توجه یکسانی وقوع ازدواج خویشاوندی (۴۰/۸٪) در میان فارس‌ها و غیرفارس‌هایی است که به کوهورت ازدواجی ۱۳۷۰-۱۳۸۰ تعلق دارند.

1. Abbasi Shavazi M. J. et al

جدول ۱. توزیع درصد ازدواج خویشاوندی (ازدواج با خویشاوند نزدیک و دور) براساس ویژگی‌های منتخب و گروه‌های هم‌دوره ازدواجی زنان ۱۳۳۰-۱۳۸۰، داده‌های ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی خانوار، ۱۳۸۰

ویژگی‌ها	سال ازدواج						کل
	۱۳۳۰-۳۹	۱۳۴۰-۴۹	۱۳۵۰-۵۹	۱۳۶۰-۶۹	۱۳۷۰-۸۰	تعداد	
شهر	۳۹/۳	۳۶/۳	۲۸/۹	۳۵/۸	۳۴/۲	۲۵۵۲	
محل تولد	۳۲/۵	۳۵/۱	۳۶/۷	۵۱/۰	۳۷/۸	۱۷۳۶	
مواردگم‌شده						۲۳	
فارس	۳۳/۶	۳۵/۳	۴۱/۵	۲۸/۵	۴۰/۸	۳۳۲۳	
غیرفارس	۳۹/۶	۳۸/۵	۳۳/۳	۳۶/۶	۳۰/۸	۲۹۹۱	
قومیت‌های غیرفارس:							
بلوچ	۵۳۳/۳	۵۷۰/۰	۸۸/۹	۸۸/۵	۸۳/۰	۱۰۷	
ترکمن	۵۵۰/۰	۵۵۰/۰	۵۱۰۰/۰	۵۳۳/۳	۵۲/۳	۲۵	
ترک	۲۶/۵	۳۳/۳	۳۲/۱	۳۶/۶	۳۱/۷	۱۳۵۸	
عرب	۵۶۶/۷	۵۰/۵	۶۲/۱	۸۱/۶	۶۰/۵	۱۴۵	
کرد	۳۶/۸	۳۲/۱	۴۵/۵	۵۶/۳	۳۲/۳	۳۲۰	
گیلک	۳۹/۱	۲۹/۲	۲۰/۳	۲۵/۰	۲۶/۳	۲۵۶	
لر	۵۳/۸	۵۶/۰	۵۲/۵	۶۳/۳	۵۶/۳	۴۵۳	
مازندرانی	۷۷/۶	۲۹/۰	۳۹/۷	۳۶/۳	۲۸/۳	۳۱۷	
مواردگم‌شده						۷	
بی‌سواد	۳۱/۰	۳۱/۳	۳۷/۲	۵۷/۳	۵۸/۲	۱۷۲۲	
ابتدایی	۳۰/۰	۳۲/۰	۳۵/۳	۴۵/۵	۳۷/۲	۱۵۰۲	
سطح‌تحصیلی	۵۳۰/۰	۳۲/۶	۲۸/۶	۳۲/۶	۴۱/۰	۱۰۵۸	
دیپلم‌و بالاتر	۵۷۱/۳	۳۷/۸	۳۰/۲	۲۶/۹	۳۰/۳	۱۰۳۵	
مواردگم‌شده						۷	
توصیه والدین	۳۳/۷	۳۳/۳	۳۷/۶	۵۰/۳	۳۷/۳	۲۸۲۲	
توصیه خویشاوندان							
دیپلم‌سرگزینی و دوستان	۱۸/۳	۲۸/۶	۲۷/۵	۲۵/۱	۱۹/۸	۵۶۶	
گزینش شخصی	۳۹/۲	۳۶/۲	۲۸/۶	۳۹/۷	۳۰/۷	۱۹۲۳	
مواردگم‌شده						۹	
۱۴-۱۰	۳۳/۹	۳۵/۲	۵۲/۸	۵۳/۸	۵۸/۱	۷۱۶	
۱۹-۱۵	۳۲/۳	۳۰/۰	۳۳/۱	۳۶/۳	۳۶/۵	۲۹۱۱	
سن‌در اولین ازدواج	۳۵/۰	۳۳/۲	۴۱/۱	۲۵/۶	۳۵/۲	۱۳۳۱	
۲۵+	۳۷/۵	۳۲/۳	۲۲/۳	۲۰/۵	۲۳/۳	۳۶۰	
مواردگم‌شده						۳	
	۴۱/۳	۴۱/۳	۳۳/۱	۳۳/۱	۳۰/۸	۵۳۲۲	

• تعداد نمونه کمتر از ۱۵ نفر است.

توجه به الگوی ازدواج قومیت‌های گوناگون نشان می‌دهد که بیشترین درصد ازدواج خویشاوندی به گروه قومی بلوچ تعلق دارد، به طوری که بیش از چهار پنجم آنان (۸۳/۲٪)

به چنین شیوه‌ای ازدواج کرده‌اند. بیش از نیمی از زنان متعلق به قومیت‌های عرب (۶۶/۹٪)، لر (۵۷/۴٪) و ترکمن (۵۷/۱٪) و حدود نیمی از کردها (۴۶/۹٪) نیز با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند. بیش از یک‌سوم ترک‌ها (۳۶/۲٪) دارای ازدواج خویشاوندی بوده‌اند و گروه‌های قومی مازندرانی و گیلک نیز (به ترتیب ۳۳/۱٪ و ۲۶/۲٪) از کم‌ترین درصد‌های ازدواج خویشاوندی برخوردار بوده‌اند. توجه به روند تغییرات ازدواج خویشاوندی در میان گروه‌های قومی تفاوت نشان می‌دهد که اگرچه این روند در میان قومیت‌های گوناگون یکسان نیست، اما صرف‌نظر از افزایش کلی ازدواج خویشاوندی در میان افرادی که در دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ ازدواج کرده‌اند، هر یک از گروه‌های قومی در این زمینه از سطح و روند خاص خود برخوردار بوده است.

بررسی سطوح و روندهای ازدواج خویشاوندی در میان زنان برخوردار از سطوح تحصیلی گوناگون نشان می‌دهد که بین تحصیلات زنان و احتمال ازدواج آنان با یکی از خویشاوندان رابطه‌ای معکوس وجود دارد. در حالی که حدود نیمی از افراد بی‌سواد (۴۷/۰٪) با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند، چنین درصدی در مورد زنان دارای تحصیلات ابتدایی (۴۵/۵٪) و راهنمایی و متوسطه (۴۱/۲٪) به تدریج کاهش یافته و در مورد زنان دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر به کم‌ترین میزان خود رسیده است، به طوری که تنها کمتر از یک‌سوم این افراد (۲۹/۸٪) به چنین شیوه‌ای ازدواج کرده‌اند. بررسی روند ازدواج خویشاوندی براساس سطوح تحصیلی نشان می‌دهد که احتمال ازدواج زنان بی‌سواد و دارای تحصیلات ابتدایی با یکی از خویشاوندان در دوره مورد بررسی، به ترتیب ۲۹ و ۱۵ درصد افزایش یافته است. چنین نتیجه‌ای می‌تواند به کاهش عمومیت سطوح تحصیلی یاد شده در طول زمان نسبت داده شود (عباسی شوازی و همکاران ۲۰۰۶). روند کلی ازدواج خویشاوندی در مورد زنان دارای تحصیلات بالاتر (راهنمایی و متوسطه، دیپلم و بالاتر) حاکی از کاهش نسبی ازدواج این افراد با یکی از خویشاوندان در طول زمان است.

شیوه همسرگزینی به عنوان شاخصی از ترتیب یافته یا آزاد بودن ازدواج به‌طور محسوس با الگوی ازدواج خویشاوندی در ارتباط است. در حالی که حدود نیمی (۴۷/۴٪) از زنانی که براساس توصیه والدین همسر خود را برگزیده یا به عبارت دیگر دارای ازدواجی از نوع ترتیب یافته بوده‌اند، با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند، کمتر از یک چهارم (۲۳/۹٪) افرادی که همسر خود را بر اساس توصیه خویشاوندان و دوستان<sup>۱</sup> انتخاب

۱. به نظر می‌رسد گزینه انتخاب همسر بر اساس توصیه خویشاوندان و دوستان به سبب آنکه این طبقه

کرده و از ازدواجی نسبتاً آزاد برخوردار بوده‌اند، همسری از میان خویشاوندان برگزیده‌اند. این درصد در مورد زنانی که در انتخاب همسر دارای گزینش شخصی بوده و از ازدواجی آزاد برخوردار بوده‌اند به ۳۹/۷ درصد می‌رسد که اگرچه از کاهش ۱۶ درصدی وقوع ازدواج خویشاوندی در میان این افراد نسبت به افراد دارای ازدواج ترتیب یافته حکایت می‌کند، اما تداوم ترجیح نسبی این ازدواج را حتی در میان افرادی که دارای ازدواج آزاد بوده‌اند، نشان می‌دهد. روند ازدواج خویشاوندی بر اساس شیوه همسرگزینی نشان‌دهنده ثبات نسبی درصد افرادی است که گزینش همسر خود را بر مبنای معیارهای فردی انجام داده و با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند. این یافته می‌تواند از عدم تحول الگوی ازدواج در میان افرادی حکایت کند که به صورت آزاد و نه ترتیب یافته ازدواج کرده‌اند. البته چنین پدیده‌ای را می‌توان تا حدی به ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران و تأکید نسبی آن بر جدایی جنسی نسبت داد که خود می‌تواند به‌طور بالقوه احتمال ایجاد علاقه و نهایتاً ازدواج را بین افراد خویشاوندی که برای مدت طولانی از امکان آشنایی با یکدیگر برخوردار بوده‌اند، بیشتر کند.

وقوع ازدواج خویشاوندی با سن در اولین ازدواج رابطه‌ای معکوس دارد. در حالی که تقریباً نیمی (۵۰/۸٪) از زنانی که در سنین ۱۰-۱۴ سالگی ازدواج کرده و به عبارت دیگر دارای ازدواج زودرس بوده‌اند با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند، کمتر از یک چهارم (۲۴/۴٪) افرادی که پس از ۲۵ سالگی ازدواج کرده‌اند دارای چنین ازدواجی بوده‌اند. این ارقام کاهش ۵۲ درصدی ازدواج خویشاوندی را در گروه دوم نشان می‌دهد. روند کاهشی الگوی ازدواج یاد شده با افزایش سن ازدواج در میان افرادی که در سنین ۱۵-۱۹ (۴۴/۴٪) و ۲۰-۲۴ سالگی (۳۷/۰٪) ازدواج کرده‌اند، مشاهده می‌شود. روند ازدواج خویشاوندی بر اساس سن در اولین ازدواج حکایت از آن دارد که درصد زنانی که قبل از ۲۰ سالگی ازدواج کرده و یکی از خویشاوندان خود را نیز به عنوان همسر برگزیده‌اند در میان کوهورت‌های ازدواجی متوالی افزایش یافته است. این پدیده می‌تواند به افزایش سن ازدواج، به‌ویژه در دهه اخیر و کاهش عمومیت ازدواج در سنین پایین نسبت داده شود. در مورد افرادی که پس از ۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند (به‌استثنای افرادی که پس از ۲۵ سالگی و در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۰ ازدواج کرده‌اند)، می‌توان روند کاهشی نسبتاً منظم و قابل انتظار ازدواج خویشاوندی را در طول زمان مورد بررسی مشاهده کرد.

→ می‌تواند طیف وسیعی از افراد با نسبت‌ها و روابط گوناگون را در برگیرد نمی‌تواند معیار مناسبی برای سنجش ترتیب یافته یا آزاد بودن ازدواج باشد.

سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی...

جدول ۲، توزیع درصد ازدواج خویشاوندی (ازدواج با خویشاوند نزدیک) بر اساس ویژگی های منتخب و گروه های هم دوره ازدواجی زنان ۱۳۳۰-۱۳۸۰ داده های ویژگی های اجتماعی-اقتصادی خانوار، ۱۳۸۰.

ویژگی ها	سال ازدواج						
	کل	۸۰-۱۳۷۰	۶۹-۱۳۶۰	۵۹-۱۳۵۰	۴۹-۱۳۴۰	۳۹-۱۳۳۰	
	تعداد	درصد					
شهر	۲۵۵۲	۱۸/۰	۱۷/۴	۱۷/۰	۱۸/۸	۲۱/۰	۱۷/۱
محل تولد	۲۷۴۶	۲۴/۷	۲۵/۲	۲۶/۱	۲۲/۸	۲۵/۸	۲۲/۰
مواردگم شده	۲۳	-/۴					
فارس	۲۳۲۴	۲۲/۸	۲۲/۳	۲۰/۶	۲۳/۲	۲۸/۸	۲۲/۱
غیرفارس	۲۹۹۱	۲۰/۴	۲۰/۳	۲۲/۰	۱۹/۰	۲۰/۱	۱۸/۹
قومیت های غیرفارس:							
بلوچ	۱۰۷	۳/۵	۵۲/۰	۴۶/۲	۳۴/۴	۵۶۰/۰	۵۳۳/۳
ترکمن	۲۵	۲/۰	۳۳/۳	۵۳۳/۳	۵۶۰/۰	۵۵۰/۰	۵۵۰/۰
ترک	۱۳۵۸	۱۵/۶	۱۳/۱	۱۳/۸	۱۹/۶	۱۷/۲	۱۵/۴
عرب	۱۴۵	۳۷/۹	۳۱/۶	۳۹/۰	۳۷/۹	۲۵/۰	۵۳۳/۳
کرد	۳۲۰	۱۷/۵	۱۸/۵	۲۲/۳	۱۰/۳	۲۱/۱	۱۰/۵
گیلیک	۲۵۶	۱۴/۵	۱۴/۰	۱۲/۵	۹/۳	۱۸/۸	۲۶/۱
لر	۴۵۳	۳۷/۲	۳۲/۱	۳۲/۸	۱۸/۸	۲۰/۰	۱۹/۳
مازندرانی	۳۱۷	۱۸/۶	۱۴/۱	۲۱/۶	۱۷/۵	۲۲/۶	۲۰/۷
مواردگم شده	۷	-/۱					
بی سواد	۱۷۳۳	۲۴/۷	۳۲/۸	۲۹/۰	۲۲/۸	۲۴/۵	۲۲/۱
ابتدایی	۱۵۰۲	۲۲/۲	۲۴/۱	۲۱/۷	۲۱/۳	۲۳/۶	۸/۹
سطح تحصیلی راهنمایی و متوسطه	۱۰۵۸	۲۱/۳	۲۱/۴	۲۲/۵	۱۷/۵	۲۳/۴	۲۰/۰
دیهلمه و بالاتر	۱۰۳۵	۱۵/۱	۱۵/۲	۱۲/۵	۱۷/۴	۱۶/۲	۵۵۷/۱
مواردگم شده	۷	-/۱					
توصیه والدین	۲۸۳۳	۲۴/۵	۲۳/۹	۲۶/۳	۲۲/۶	۳۷/۱	۲۱/۷
توصیه خویشاوندان							
نیوهمسرکنی و دوستان	۵۶۶	۹/۲	۹/۶	۶/۷	۱۱/۹	۱۱/۱	۷/۹
گزینش شخصی	۱۹۲۴	۲۰/۶	۲۱/۷	۱۹/۹	۲۰/۱	۱۷/۴	۲۱/۶
مواردگم شده	۹	-/۲					
۱۰-۱۳	۷۱۶	۲۶/۱	۲۴/۴	۳۱/۱	۲۴/۷	۲۶/۰	۲۱/۴
۱۹-۱۵	۲۹۱۱	۲۳/۰	۲۶/۴	۲۱/۶	۲۱/۲	۲۴/۰	۲۰/۰
سن در اولین ازدواج ۲۰-۲۳	۱۳۳۱	۱۸/۰	۱۶/۸	۱۹/۰	۱۸/۶	۱۸/۲	۲۰/۰
۲۵+	۳۶۰	۱۲/۲	۹/۸	۹/۶	۱۵/۵	۲۳/۳	۱۸/۸
مواردگم شده	۴	-/۱					
	۵۳۳۳	۲۱/۴	۲۱/۲	۲۱/۴	۲۰/۹	۲۳/۸	۲۰/۳

• تعداد نمونه کمتر از ۱۵ نفر است.

بررسی حاضر نشان می دهد که اندکی بیش از یک پنجم ازدواج های انجام گرفته (۲۱/۴٪) و حدود نیمی از ازدواج های خویشاوندی (۴۹/۰٪) از نوع ازدواج با خویشاوند نزدیک بوده است.

جدول ۲ سطوح و روندهای ازدواج با خویشاوند نزدیک را نشان می‌دهد. به سبب مشابهت زیاد الگوهای مشاهده شده در این جدول با جدول پیشین و به جهت خودداری از تکرار مطالب از بیان تفصیلی نتایج به دست آمده صرف‌نظر می‌کنیم. تنها یافته متفاوتی که در این جدول می‌توان یافت، الگوی ازدواج بر اساس قومیت است. در حالی که زنان فارس نسبت به هم‌تایان خود در سایر گروه‌های قومی، ازدواج خویشاوندی را به میزان کمتری تجربه کرده‌اند، درصد بیشتری از این افراد (۲۲/۸٪ فارس‌ها در مقابل ۲۰/۴٪ غیرفارس‌ها) با یکی از خویشاوندان نزدیک خود ازدواج کرده‌اند. از سوی دیگر، گروه قومی بلوچ بیشترین درصد ازدواج با خویشاوند نزدیک را داراست، به طوری که تقریباً نیمی از زنان بلوچ (۴۹/۵٪) بدین شیوه ازدواج کرده‌اند. پس از آن قومیت‌های ترکمن (۴۰/۰٪)، عرب (۳۷/۹٪)، لر (۲۷/۲٪) و فارس (۲۲/۸٪) قرار می‌گیرند که از چهل درصد تا بیش از یک پنجم آنان یکی از خویشاوندان نزدیک خود را به عنوان همسر برگزیده‌اند. گروه‌های قومی مازندرانی (۱۸/۶٪)، کرد (۱۷/۵٪)، ترک (۱۵/۶٪) و گیلک (۱۴/۵٪) نیز به ترتیب دارای کمترین درصد‌های ازدواج با خویشاوند نزدیک هستند.

در مجموع، با آنکه الگوی ازدواج خویشاوندی در طول دوره مورد مطالعه تغییرات اندکی را تجربه کرده است، اما می‌توان بر اساس یافته‌های بیان شده چنین نتیجه‌گیری کرد که زنان برخوردار از ویژگی‌های مدرن، به میزان کمتری دارای ازدواج خویشاوندی بوده‌اند. این پدیده را می‌توان به روشنی در مورد زنان متولد شهر، دارای تحصیلات و سن ازدواج بالاتر و برخوردار از ازدواج آزاد مشاهده کرد. در مورد رابطه قومیت و ازدواج خویشاوندی می‌توان به سطح و الگوی ویژه این نوع ازدواج در میان هر یک از گروه‌های قومی اشاره کرد که آن را می‌توان به تأثیر عمیق باورهای فرهنگی بر الگوهای ازدواج و عدم تأثیرپذیری سریع و شدید این باورها از تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نسبت داد. البته در تبیین پدیده بیان شده، نمی‌توان عواملی همچون تفاوت قومیت‌های گوناگون از برخوردار از امکانات توسعه‌ای را نیز از یاد برد.

#### ۴. نتایج تحلیل چند متغیره

در این بخش به منظور بررسی چگونگی تأثیرگذاری همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (ازدواج خویشاوندی) و نیز به سبب آنکه این متغیر از نوع اسمی دووجهی بوده است، با

استفاده از روش رگرسیون لجستیک<sup>۱</sup> به تحلیل چند متغیره داده‌ها می‌پردازیم. هدف از این بررسی، چگونگی تغییر احتمال ازدواج خویشاوندی بر اساس طبقات گوناگون هر یک از متغیرهای مستقل است. متغیرهای مستقل مورد استفاده در این تحلیل عبارتند از سال ازدواج (به منظور بررسی تأثیر زمان به عنوان شاخصی از تحولات حاصل از گسترش مدرنیزاسیون و شهرنشینی)، محل تولد، سن در اولین ازدواج و سطح تحصیلی زنان و شوهران (جهت ارزیابی تأثیر عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی)، قومیت (به منظور بررسی تأثیر عوامل فرهنگی) و شیوه همسرگزینی زنان و شوهران (به منظور مطالعه تأثیر الگوی همسرگزینی: ترتیب یافته یا آزاد).

تحلیل چند متغیره حاضر در دو بخش و به منظور بررسی تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر ازدواج با خویشاوند و ازدواج با خویشاوند نزدیک انجام گرفته است و مدل‌های مطرح شده نیز احتمال پیش‌بینی هر یک از متغیرهای مستقل را در مورد وقوع ازدواج با خویشاوند / خویشاوند نزدیک نشان می‌دهد. جداول ۳ و ۴ کسرهای برتری<sup>۲</sup> به دست آمده از رگرسیون لجستیک را شامل می‌شود. به منظور بررسی تأثیر عامل زمان بر الگوی ازدواج خویشاوندی، کوهورت‌های ازدواجی وارد مدل اول شده‌اند. سپس متغیرهای مربوط به ویژگی‌های زنان، ویژگی‌های شوهران، قومیت و شیوه همسرگزینی زنان و شوهران، به ترتیب وارد مدل‌های ۲ تا ۴ شده است تا تأثیر همزمان عامل زمان و عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی بر الگوی ازدواج خویشاوندی ارزیابی شود. در بخش نخست، تعداد کل پاسخگویان ۵۳۲۲ نفر بوده‌اند که از این تعداد، در مجموع ۵۲۷۲ نفر (۹۹/۱٪) وارد تحلیل شده‌اند.

مدل اول: متغیر سال ازدواج را شامل می‌شود و هیچ یک از سطوح مربوط به متغیر یاد شده در ارتباط با متغیر وابسته از نظر آماری معنی‌دار نشده‌اند؛ به عبارت دیگر، زمان ازدواج یا قرار گرفتن در گروه‌های همدوره ازدواجی گوناگون احتمال وقوع ازدواج خویشاوندی را تغییر نداده است.

مدل دوم: متغیرهای مرتبط با ویژگی‌های زنان (محل تولد، سن در اولین ازدواج و سطح تحصیلی) را نیز وارد تحلیل می‌کند و نتایج این مدل حاکی از آن است که اگرچه احتمال وقوع ازدواج خویشاوندی در میان افرادی که در دهه‌های اخیر ازدواج کرده‌اند، نسبت به همتایانی که پیش از آنان ازدواج کرده بودند، افزایش یافته است، اما احتمال چنین ازدواجی در مورد زنان

1. Logistic Regression

2. Odds Ratio

دارای ویژگی‌های مدرن‌تر (تولد در شهر، سن ازدواج و سطح تحصیلی بالاتر) کمتر از افرادی است که از این ویژگی‌ها برخوردار نبوده‌اند.

**مدل سوم:** متغیرهای مربوط به ویژگی‌های شوهران (محل تولد، سن در اولین ازدواج و سطح تحصیلی) را نیز وارد تحلیل می‌کند. افزودن این ویژگی‌ها باعث کاهش احتمال ازدواج خویشاوندی در میان افراد متعلق به دو گروه همدوره ازدواجی انتهایی و افزایش چنین احتمالی در مورد زنان دارای سنین ازدواج بالاتر و برخوردار از سطوح تحصیلی بالاتر از راهنمایی نسبت به مدل دوم شده است و افزایش احتمال چنین ازدواجی را در مورد شوهرانی که پس از ۳۰ سالگی ازدواج کرده‌اند نیز نشان می‌دهد. از سوی دیگر، افزودن ویژگی‌های یاد شده به مدل موجب شده است تا ارتباط ازدواج خویشاوندی با گروه‌های همدوره ازدواجی ۱۳۵۰-۱۳۵۹، محل تولد زنان (در مقایسه با مدل پیشین) و همین‌طور سنین ازدواج پایین‌تر از ۳۰ سال، سطح تحصیلی و محل تولد شوهران از نظر آماری معنی‌دار نباشد.

**مدل چهارم:** دو متغیر قومیت و شیوه همسرگزینی را نیز به عنوان شاخص‌هایی از عوامل فرهنگی وارد تحلیل می‌کند. با ورود این متغیرها، تعداد روابط معنی‌دار بین ازدواج خویشاوندی و ویژگی‌های زنان و شوهران به دو عدد (سنین ازدواج بالاتر از ۲۵ و ۳۰ سال، به ترتیب در مورد زنان و شوهران) کاهش یافته است. از سوی دیگر، تمامی گروه‌های قومی به استثنای قومیت کرد، قادر به پیش‌بینی احتمال ازدواج خویشاوندی بوده‌اند و توجه به کسرهای برتری، ضمن تأیید یافته‌های پیشین بر بالاتر بودن احتمال وقوع چنین ازدواجی در میان گروه‌های قومی بلوچ و ترکمن و به حداقل رسیدن چنین احتمالی در مورد قومیت‌های مازندرانی و گیلک، از تأثیر قابل توجه قومیت بر الگوی ازدواج خویشاوندی حکایت می‌کند. رابطه ازدواج خویشاوندی با متغیر الگوی همسرگزینی نیز اگرچه در مورد زنان از نظر آماری معنی‌دار نشده است، از احتمال بیشتر الگوی ازدواج یاد شده در میان شوهرانی که بر اساس توصیه والدین همسر خود را انتخاب می‌کنند یا به عبارت دیگر دارای ازدواجی از نوع ترتیب یافته هستند، حکایت می‌کند. چنین یافته‌هایی اگرچه نتایج مطالعات پیشین را مبنی بر تأثیر قابل توجه سن ازدواج بر ازدواج خویشاوندی تأیید می‌کند، اما نشان می‌دهد که برخورداری از سطوح تحصیلی بالاتر یا خاستگاه شهری، نمی‌تواند به تنهایی عاملی تأثیرگذار بر میزان وقوع ازدواج خویشاوندی به‌شمار رود؛ به عبارت دیگر، اگرچه گسترش شهرنشینی و تحصیلات به شیوه‌های گوناگون می‌تواند بر الگوهای خانوادگی تأثیر گذارد و از جمله کاهش ازدواج خویشاوندی را سبب شود، اما چنانچه این عوامل با تغییر در سایر ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ساختار سنتی خانواده همراه نشود، نمی‌تواند تغییر یاد شده را در مطلوبیت و فراوانی ازدواج خویشاوندی موجب شود.

سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی...

جدول ۳. پیش بینی احتمال ازدواج خویشاوندی (ازدواج با خویشاوند) با استفاده از مدل رگرسیون لوجستیک

مدل چهار		مدل سه		مدل دو		مدل یک		متغیر مستقل
Ex(B)	Sig	Ex(B)	Sig	Ex(B)	Sig	Ex(B)	Sig	
								سال ازدواج
								محل تولد زنان
								سن زنان در اولین ازدواج
								سطح تحصیلی زنان
								محل تولد شوهران
								سن شوهران در اولین ازدواج
								سطح تحصیلی شوهران
								قومیت
								شبهه همسرگزینی زنان
								شبهه همسرگزینی شوهران
								مقدار ثابت
								درصد درستی
								chi-square
								-2log likelihood
								Nagelkerk R Square
								● = معنی داری در سطح ۰/۰۵
								●● = معنی داری در سطح ۰/۰۱
								ns = غیر معنی داری

جدول ۴ تحلیل انجام گرفته در جدول ۳ را با تغییر متغیر وابسته از ازدواج با خویشاوند به ازدواج با خویشاوند نزدیک تکرار می‌کند. در این بخش نیز تعداد کل پاسخگویان ۵۳۲۲ نفر بوده است که از این تعداد در مجموع ۵۲۷۲ نفر (۹۹/۱٪) وارد تحلیل شده‌اند. اگرچه روند کلی تغییر ازدواج با خویشاوند نزدیک بر اساس هر یک از متغیرهای مستقل با روند ملاحظه شده در جدول پیشین مشابهت دارد، اما تفاوت‌هایی نیز در الگوی تأثیرپذیری متغیر وابسته از طبقات گوناگون متغیرهای مستقل به چشم می‌خورد که در ادامه ضمن تحلیل جدول ۴ به آن‌ها نیز اشاره می‌شود.

عدم وجود رابطه معنی‌دار متغیرهای ازدواج با خویشاوند نزدیک و سال ازدواج در مدل اول می‌تواند همانند جدول پیشین، نشان‌دهنده عدم تأثیر زمان بر ازدواج خویشاوندی باشد. تفاوت‌های به وجود آمده در کسرهای برتری، پس از افزودن متغیرهای مرتبط با ویژگی‌های زنان در مدل دوم و مقایسه آن با نتایج جدول پیشین می‌تواند نشان‌دهنده کاهش ازدواج با خویشاوند نزدیک در مقایسه با ازدواج با سایر خویشاوندان در میان افرادی باشد که در سال‌های پس از ۱۳۵۰ ازدواج کرده‌اند. از سوی دیگر، می‌توان افزایش چنین ازدواجی را در مورد زنانی که در سنین بالاتر از ۲۰ سال ازدواج کرده و دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر بوده‌اند، مشاهده کرد.

تفاوت‌های به وجود آمده در کسرهای برتری، پس از افزودن متغیرهای مرتبط با ویژگی‌های شوهران مدل سوم و نیز مقایسه این ارقام با نتایج جدول پیشین می‌تواند نشان‌دهنده کاهش ازدواج با خویشاوند نزدیک در مقایسه با مدل پیشین و نیز ازدواج با سایر خویشاوندان در میان افراد متعلق به دو گروه همدوره ازدواجی انتهایی، شوهران دارای سن ازدواج بالاتر از ۳۰ سال و نیز زنان برخوردار از سطح تحصیلی راهنمایی و متوسطه باشد. از سوی دیگر، می‌توان افزایش چنین ازدواجی را در مورد زنانی که در سنین بالاتر از ۲۰ سال ازدواج کرده‌اند و از تحصیلات دیپلم و بالاتر برخوردارند، مشاهده کرد.

افزودن متغیرهای قومیت و شیوه همسرگزینی در مدل چهارم. الگویی مشابه با جدول ۳ به وجود می‌آورد و تفاوت‌های به وجود آمده در کسرهای برتری می‌تواند نشان‌دهنده کاهش ازدواج با خویشاوند نزدیک در مقایسه با مدل پیشین و نیز ازدواج با سایر خویشاوندان در میان شوهران دارای سن ازدواج بالاتر از ۳۰ سال، شوهرانی که همسر خود را بر اساس توصیه خویشاوندان و دوستان یا معیارهای شخصی برگزیده‌اند و نیز قومیت‌های بلوچ، ترک، عرب و لر باشد. از سوی دیگر، می‌توان افزایش چنین ازدواجی را در مورد زنان دارای ازدواج بالاتر از ۲۵ سال و تحصیلات دیپلم و بالاتر و نیز گروه‌های ترکمن، کرد، گیلک و مازندرانی مشاهده کرد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مشابهت یافته‌های آخرین مدل و مدل پیشین در مورد تغییر

سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی...

جدول ۴. پیش‌بینی احتمال ازدواج خویشاوندی (ازدواج با خویشاوند نزدیک) با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک

متغیر مستقل		مدل یک		مدل دو		مدل سه		مدل چهار	
		Exp(B)	Sig	Exp(B)	Sig	Exp(B)	Sig	Exp(B)	Sig
(مرجع) ۱۳۳۹-۱۳۳۰									
سال ازدواج	۱۳۳۹-۱۳۳۰	۱/۲۲۳	ns	۱/۲۸۷	ns	۱/۳۱۹	ns	۱/۳۳۵	ns
	۱۳۵۹-۱۳۵۰	۱/۰۳۵	ns	۱/۲۲۳	ns	۱/۱۵۹	ns	۱/۱۳۲	ns
	۱۳۶۹-۱۳۶۰	۱/۰۶۷	ns	۱/۳۷۰	*	۱/۲۶۳	ns	۱/۲۰۲	ns
	۱۳۸۰-۱۳۷۰	۱/۰۵۴	ns	۱/۵۱۵	**	۱/۴۱۵	*	۱/۲۸۰	ns
روستا (مرجع) شهر									
محل تولد زنان	۱۴-۱۰ (مرجع)			۰/۷۸۰	**	۰/۹۰۷	ns	۰/۸۵۳	ns
	۱۹-۱۵		ns	۰/۸۶۹	ns	۰/۸۸۷	ns	۰/۹۹۳	ns
	۲۴-۲۰		**	۰/۶۸۷	**	۰/۷۳۶	**	۰/۸۸۰	ns
	۲۵+		**	۰/۴۳۱	**	۰/۵۰۷	**	۰/۶۳۰	*
بی‌سواد (مرجع) ابتدایی									
سطح تحصیلی زنان	راهنمایی و متوسطه		*	۰/۸۳۳	*	۰/۸۲۵	ns	۰/۸۷۳	ns
	دیپلم و بالاتر		**	۰/۸۲۴	ns	۰/۸۰۴	ns	۰/۸۹۳	ns
	روستا (مرجع) شهر		**	۰/۶۴۵	**	۰/۶۲۰	**	۰/۶۶۷	*
سن شوهران در اولین ازدواج (مرجع) ۱۹-۱۵									
سن شوهران در اولین ازدواج	۲۴-۲۰		ns	۰/۹۰۳	ns	۰/۹۰۳	ns	۰/۹۸۵	ns
	۲۹-۲۵		**	۰/۶۷۵	**	۰/۶۷۵	**	۰/۷۵۳	*
	۳۰+		**	۰/۵۱۰	**	۰/۵۱۰	**	۰/۸۵۲	**
بی‌سواد (مرجع) ابتدایی									
سطح تحصیلی شوهران	راهنمایی و متوسطه		ns	۱/۰۴۰	ns	۱/۰۴۰	ns	۱/۱۲۱	ns
	دیپلم و بالاتر		ns	۱/۲۱۶	ns	۱/۲۱۶	ns	۱/۲۳۸	ns
	فارس (مرجع) بلوچ		**	۲/۳۰۷	**	۲/۳۰۷	**	۲/۳۰۷	**
قومیت	ترکمن		*	۲/۳۴۱	*	۲/۳۴۱	*	۲/۳۴۱	*
	ترک		**	۰/۵۲۸	**	۰/۵۲۸	**	۰/۵۲۸	**
	عرب		**	۱/۸۶۳	**	۱/۸۶۳	**	۱/۸۶۳	**
	کرد		**	۰/۶۳۱	**	۰/۶۳۱	**	۰/۶۳۱	**
	گیلک		**	۰/۵۳۷	**	۰/۵۳۷	**	۰/۵۳۷	**
	لر		ns	۰/۹۸۲	ns	۰/۹۸۲	ns	۰/۹۸۲	ns
	مازنی		**	۰/۶۴۸	**	۰/۶۴۸	**	۰/۶۴۸	**
توصیه والدین (مرجع) توصیه خویشاوندان و دوستان									
شیوه همسرگزینی زنان	گزینش شخصی		ns	۰/۸۲۳	ns	۰/۸۲۳	ns	۰/۸۲۳	ns
	توصیه والدین (مرجع) توصیه خویشاوندان و دوستان		**	۰/۳۴۲	**	۰/۳۴۲	**	۰/۳۴۲	**
شیوه همسرگزینی شوهران	توصیه والدین (مرجع) توصیه خویشاوندان و دوستان		ns	۰/۸۷۲	ns	۰/۸۷۲	ns	۰/۸۷۲	ns
	گزینش شخصی		**	۰/۴۸۴	**	۰/۴۰۹	**	۰/۴۸۴	**
مقدار ثابت									
		۷۸/۸		۷۸/۵		۷۸/۶		۷۸/۸	
درصد درستی		۳۳۷/۴۳۶*		۸۶/۰۶۱**		۲/۳۹۸ ns		۳۳۷/۴۳۶*	
chi-square		۵۱۳۱/۷۶۷		۵۴۲۴/۳۴۱		۵۵۲۴/۵۶۷		۵۱۳۱/۷۶۷	
-۲log likelihood		۰/۰۹۹		۰/۰۲۴		۰/۰۲۵		۰/۰۹۹	
Nagelkerk R Square									

ns = غیر معنی‌دار

\*\* = معنی‌داری در سطح ۰/۰۱

\* = معنی‌داری در سطح ۰/۰۵

ازدواج با خویشاوند نزدیک بر اساس سن ازدواج زنان و شوهران و نیز سطح تحصیلی زنان، عدم تغییر کلی ازدواج با خویشاوند نزدیک را پس از افزودن متغیرهای قومیت و شیوه همسرگزینی نشان می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی سطح و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران و نیز روند تغییرات آن با توجه به عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی با استفاده از داده‌های طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی - اقتصادی خانوار، ۱۳۸۰ بوده است.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که ازدواج خویشاوندی را می‌توان به عنوان الگوی رایج ازدواج در ایران در نظر گرفت، به طوری که در مجموع ۴۲ درصد از ازدواج‌های انجام شده در سطح کشور از نوع ازدواج خویشاوندی بوده و ۲۱/۴ درصد از کل ازدواج‌ها نیز با خویشاوند نزدیک انجام گرفته است. مطالعه روند ازدواج خویشاوندی که با استفاده از گروه‌های هم‌دوره ازدواجی صورت پذیرفت، اگرچه نشان‌دهنده روند نسبتاً ثابت این الگوی ازدواج در فاصله سال‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۸۰ است، اما افزایش نسبی آن را در دو دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ نشان می‌دهد که می‌تواند با تحولات اجتماعی ایران در این دوره ارتباط داشته باشد. عدم تحول الگوی ازدواج خویشاوندی در دوره تأثیرپذیری جامعه از فرایندهای مدرنیزاسیون، شهرنشینی و صنعتی شدن می‌تواند علاوه بر عدم تأیید فرضیاتی که فرایند مدرنیزاسیون را نیروی مرکزی تغییر الگوهای خانوادگی می‌داند، تأثیر ساختارهای جامعه بر این الگوها را مورد تأکید قرار دهد.

بررسی ویژگی‌های همسران خویشاوند که به کوهورت‌های ازدواجی متفاوت تعلق داشته‌اند، نشان می‌دهد که در طول سال‌های مورد بررسی، ازدواج افراد دارای ویژگی‌های مدرن با یکی از خویشاوندان (خویشاوند نزدیک یا دور) کمتر از افرادی بوده است که از ویژگی‌های سنتی برخوردار بوده‌اند. چنین پدیده‌ای در مورد زنانی که در شهر متولد شده، از تحصیلات و سن ازدواج بالاتری برخوردار بوده و بر اساس معیارهای شخصی همسر خود را برگزیده یا به عبارت دیگر ازدواجی آزاد داشته‌اند، ملاحظه شد. از سوی دیگر، تأثیر عمیق باورهای فرهنگی و قومی در الگوی ازدواج را می‌توان با مشاهده سطح و الگوی ویژه ازدواج خویشاوندی در مورد هر یک از گروه‌های قومی مورد تأکید قرار داد.

نتایج تحلیل چند متغیره که با استفاده از روش رگرسیون لجستیک انجام گرفت، نشان داد که با در نظر گرفتن تأثیر همزمان تمامی متغیرهای مستقل (سال ازدواج، محل تولد، سن در اولین ازدواج، سطح تحصیلی، قومیت و شیوه همسرگزینی)، احتمال ازدواج خویشاوندی در مورد

افراد برخوردار از سنین ازدواج بالاتر و شوهرانی که همسر خود را بر اساس معیارهای شخصی برگزیده‌اند، نسبت به زنان و شوهران دارای ازدواج زودرس و شوهرانی که همسر خود را بر اساس توصیه والدین انتخاب کرده‌اند، کمتر است. چنین یافته‌ای تأثیر بیشتر متغیرهای یاد شده را نسبت به سایر متغیرهای اجتماعی و جمعیت‌شناختی مورد بررسی نشان می‌دهد. توجه به رابطه قومیت و ازدواج خویشاوندی، الگوهای متفاوت ازدواج خویشاوندی در میان گروه‌های قومی گوناگون را تأیید می‌کند. نتایج فوق علاوه بر تأیید رابطه عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی با ازدواج خویشاوندی بر تأثیر مسلط قومیت بر این الگوی ازدواج تأکید و نقش مهم ساختار فرهنگی را در تأثیربخشی سایر ساختارهای جامعه بر رفتار افراد بیان می‌کند. توجه به رابطه این الگوی ازدواج با ویژگی‌های اجتماعی و جمعیت‌شناختی مورد بررسی نشان می‌دهد که گسترش روند شهرنشینی در ایران، بهبود وضعیت آموزشی کشور و ارتقای سطوح تحصیلی فرزندان، افزایش سن ازدواج و نیز استقلال بیشتر فرزندان در امر همسرگزینی می‌تواند عواملی در جهت کاهش وقوع این نوع ازدواج در آینده به‌شمار روند. علاوه بر عوامل مورد اشاره، روند کاهشی باروری در ایران که از سال‌های انتهایی دهه ۱۳۶۰ آغاز شده و ادامه یافته است، محدودیت همسران بالقوه در میان خویشاوندان را موجب شده است و می‌تواند عاملی در جهت کاهش میزان ازدواج خویشاوندی در کشور در نظر گرفته شود. البته تأثیر قومیت به عنوان یک عامل فرهنگی پایدار، بر این الگوی ازدواج را نباید از یاد برد. از سوی دیگر، نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که اگرچه نمی‌توان تأثیر آشکار عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی را بر ازدواج خویشاوندی نادیده گرفت، اما تداوم الگوی ازدواج یاد شده، حاکی از آن است که مطلوبیت فعلی ازدواج خویشاوندی، تا هنگامی که کارکردهای مفروض آن و نیز نگرش‌ها و رفتارهای فردی متأثر از فضای اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه دگرگون نشود، دچار تحول نخواهد شد (ترابی ۱۳۸۵).

در پایان بیان این نکته لازم به نظر می‌رسد که استفاده از داده‌های از پیش گردآوری شده، موجب عدم دسترسی به داده‌های مربوط به وضعیت اشتغال پیش از ازدواج زنان و نیز عدم توانایی در ارزیابی ابعاد اقتصادی ازدواج خویشاوندی شده است. عدم دسترسی به داده‌های مرتبط با سنجش دین و مذهب پاسخگویان نیز ارزیابی کامل‌تر ابعاد فرهنگی و دینی ازدواج خویشاوندی را غیرممکن ساخت. نسبت خویشاوندی با همسر در داده‌های موجود به صورتی کلی (خویشاوند نزدیک / سایر خویشاوندان) سنجیده شده است. از آنجا که کاربرد چنین واژه‌هایی، به سبب تعاریف فرهنگی گوناگونی که از آن‌ها وجود دارد، امکان سنجش دقیق نسبت خویشاوندی را از بین می‌برد، جمع‌آوری داده‌هایی که نسبت‌های خویشاوندی را به صورتی

دقیق و با استفاده از گزینه‌هایی همچون دختر عمو - پسر عمو، دختر خاله - پسر خاله، دختر دایی - پسر عمه، دختر عمه - پسر دایی (عباسی شوازی و همکاران ۱۳۸۳) مشخص سازند، لازم به نظر می‌رسد. محدودیت مهم دیگری که در ارتباط با روش کمی این مطالعه به وجود آمده است، عدم توانایی سنجش عقاید و نگرش‌های نمونه مورد بررسی و در نتیجه عدم آگاهی از انگیزه‌ها و عوامل پنهانی است که به ازدواج خویشاوندی یا غیر خویشاوندی منتهی شده‌اند. از این رو، به منظور دستیابی به ابعاد غیر آشکار الگوی ازدواج خویشاوندی، چگونگی تأثیرپذیری آن از ساختارهای جامعه و نیز پیش‌بینی روند احتمالی آن در آینده، انجام مطالعات کیفی جمعیت‌شناسانه - مردم‌شناسانه لازم به نظر می‌رسد. انجام چنین مطالعاتی در کنار بررسی‌های کمی می‌تواند تصویری جامع از ازدواج خویشاوندی در ایران ترسیم کند. تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران در مقاله دیگری ارائه خواهد شد.

### منابع

- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۳) *نگاهی به سیستان و بلوچستان*، تهران: انتشارات امین خضرای.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۶) *نگاهی به ایلام*، تهران: نشر هنر.
- برازنده‌نیا، رضا (۱۳۵۷-۱۳۵۸) *ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در روستای کندسفلی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- بهنام، جمشید (۱۳۵۲) *ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران*، چاپ دوم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ترابی، فاطمه (۱۳۸۵) *بررسی ابعاد اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی ازدواج خویشاوندی در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- حسینی سوق، نورمحمد (۱۳۷۳) *خانواده، ازدواج و خویشاوندی در میان سادات ایل طبیعی حوزه شرقی رودخانه مارون*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- حیدری قمی، علی (۱۳۸۳) *بررسی مردم‌شناختی روستای اناجرود با تأکید بر تغییرات فرهنگی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- دست‌کوتاه، حمیده (۱۳۵۷-۱۳۵۸) *ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در روستای جلیل‌آباد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۶) *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات سروش.
- سروری، علی‌اصغر (۱۳۷۴) *ازدواج‌های فامیلی و بیماری‌های ژنتیکی کودکان*، اصفهان: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و انتشارات نورین سپاهان.
- سگالن، مارتین (۱۳۷۰) *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: چاپ سعدی.
- عباسی شوازی، محمدجلال، میمنت حسینی چاوشی، پیتر مک‌دونالد و بهرام دلاور (۱۳۸۳) *تحولات باروری در ایران*، تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۴) «قومیت و الگوهای ازدواجی در ایران»، پژوهش

- زنان، دوره ۳، شماره ۱، ص ۲۵-۴۷.
- عسگری خانقاه، اصغر و محمد شریف‌کمالی (۱۳۷۴) *ایرانیان ترکمن*، تهران: انتشارات اساطیر.
- فروزنده، صبحانعلی (۱۳۷۶) *مطالعه خانواده، ازدواج و نظام خویشاوندی در طایفه مغانلو از ایل شاهسون*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- کاظم‌پور، کاظم (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی قبایل عرب خوزستان*، تهران نشر آمه.
- کتابی، احمد (۱۳۷۹) «زنانشویی با خویشاوندان بسیار نزدیک در ایران باستان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۶، ص ۱۶۷-۱۹۲.
- کتابی، احمد (۱۳۸۱) «زنانشویی‌های خویشاوندی (هم‌خون) از دیدگاه اسلام»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۴۱، ص ۴۵-۶۸.
- کتابی، احمد (۱۳۸۳) «دایره همسرگزینی در بین خویشاوندان نزدیک نزد اقلیت‌های دینی ایران»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۴۷ و ۴۸، ص ۴۱-۶۰.
- گود، ویلیام جی (۱۳۵۲) *خانواده و جامعه*، ترجمه ویدا ناصحی (بهنام)، تهران: نشر کتاب.
- میشل، اندره (۱۳۵۴) *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Abbasi-Shavazi, M. J., P. McDonald and M. Hossein-Chavoshi (2006) "Modernization and the Cultural Practice of Consanguineous Marriage; A Study of Four Provinces of Iran", Paper prepared for session: Value Changes and the Family Formation of the European Population Conference: Population Challenges in Aging Societies, Liverpool, June 21-24.
- Abbasi-Shavazi, M. J. and P. McDonald (Forthcoming) "Family Changes in Iran: Religion, Revolution and the State", in R. Jayakody, A. Thornton and W. Axxin (eds.) *Ideational Factors in International Family Change*, University of Michigan.
- Al-Thakeb, F. T. (1985) "The Arab Family and Modernity: Evidence From Kuwait", *Current Anthropology* 26(5): 575-85.
- Bittles, A. H. (1994) "The Role and Significance of Consanguinity as a Demographic Variable", *Population and Development Review* 20(3): 561-584.
- Bittles, A. H. (2001a) "A Background Summary of Consanguineous Marriage", Perth: Centre for Human Genetics, Edith Cowan University.
- Bittles, A. H. (2001b). "Consanguinity and its Relevance to Clinical Genetics", *Clin Genet* 60: 89-98.
- Center For Genetics Education, (2004) Genetics Fact Sheet: "When arents Are Relatives: Consanguinity, Directory of Genetics Support Groups, Services and Information, Sydney: [http:// WWW. genetics. Com.au/Factsheet/ 26. htm](http://WWW.genetics.Com.au/Factsheet/26.htm).
- Givens, B. P. and Hirshman (1994) "Modernization and Consanguineous Marriage in Iran", *Journal of Marriage and the Family*, 56 (November): 820-834.
- Goode, W. J. (1963) *World Revolution and Family Patterns*, New York: Free Press.

- Gunaid, A. A., N. A. Jummed and K. A. Tamim (2004) "Consanguineous Marriage in The Capital City Sana'a Yemen", *Journal of Biosocial Sciences* 36: 111-121.
- Hussain, R. and A. H. Bittles (1999) "Consanguineous Marriage and Differentials in the Age at Marriage Contraceptive Use and Fertility in Pakistan", *Journal of Biosocial Science* 31: 121-138.
- Hussain, R. and A. H. Bittles (2000) "Sociodemographic Correlates of Consanguineous Marriage in the Muslim Ppulation on India", *Journal of Biosocial Science* 32:433-442.
- Jurdi, R. and P. C. Saxena (2003) "The prevalence and Correlates of Consanguineous Marriage in Yemen: Similarities and Contrasts with Other Arab Countries", *Journal of Biosocial Science* 35: 1-13.
- Khlat, M. and S. Halabi (1986) "Modernization and Consanguineous Marriage in Beirut", *Journal of Biosocial Sciences* 18 (October): 489-495.
- Nath, A, C. Patil and V. Naik (2004) "Prevalence of Consanguineous Marriage in Rural Community and its Effects on Pregnancy Outcome", *Indian Journal of Community Medicine* 29(1): 41-43.
- Qidwai, W., I. A. Syed and F. M. Khan (2003) "Prevalence and Perceptions about Consanguineous Marriage among Patients Presenting to Family Physicians, in 2001 at a Teaching Hospital in Karachi, Pakistan", *Asia Pacific Family Medicine* 2: 27-31.
- Radovanovic, A., Shah and J. Behbehani (1999) "Prevalence an Social Correlates of Consanguinity in Kuwait", *Annalas of Saudi Medicine* 19(3): 206-210.
- Saadat, M., M. Ansari-Lari and D. Farhud (2004) "Consanguineous Marriage in Iran", *Annalas of Human Biology* 31(2): 263-269.
- Tfaily, R. (2005) "First Cousin Marriages and Marital Relationships in Egypt, Jordan, Turkey and Yemen", Paper prepared for Presentaiton at the 25th international Population Conference of International Union for the Scientific Study of Population, Tours, July 18-24.
- Thornton, A. and T. E. Fricke (1987) "Social Change and the Family: Comparative Perspective from the West, China, and South Asia", *Sociological Forum* 24: 746-779
- Thornton, A. and H-S Lin (1994) *Social Change and the Family in Taiwan*, Chicago: The University of Chicago Press.